

کارگران سد کارون ۴، شش ماه است حقوق نگرفته‌اند

یکی از کارگران قراردادی سد کارون ۴ از تعویق شش ماهه در پرداخت حقوق کارگران شاغل در این پروژه خبر داد. وی در گفت‌وگو با ایلنا گفت: با وجود اتمام پروژه سد کارون ۴ در سال‌های گذشته، حدود ۲۳ کارگر باقیمانده که زیر نظر شرکت پیمانکاری کار می‌کنند اما از اسفندماه سال گذشته حقوق دریافت نکرده‌اند. او گفت: کارفرمای این طرح شرکت آب‌نیرو تهران است که صورت وضعیت‌های مالی پیمانکار را به موقع پرداخت نکرده است. این کارگر کارگر دامه داد: با گذشت بیش از شش ماه از پرداخت نشدن حقوق کارگران سد کارون ۴ همیشه من و همکارانم سخت شده‌است. وی با بیان اینکه جذا تاخیر شش ماهه در پرداخت حقوق، حدود ۱۰ سال حق سنوات و یک سال حق عیدی (سال ۱۴۰۱) از کارفرما طلبکاریم. افزود: کارگرانی که به عنوان نقشه‌بردار، راننده، کارگر اداری و فنی در سد کارون ۴ فعال هستند بارها به دلیل پیگیری مطالباتشان تهدید به اخراج شده‌اند.

عضو شورای عالی کار:

وزارت کار در حال عدسازی برای سرکوب مزدی است

کارگران چندین کارزار برای ترمیم دستمزد ۱۴۰۲ به راه‌انداخته‌اند و عضو سه کارگری شورای عالی کار نیز خرداد ماه امسال با ثبت یک درخواست رسمی، خواستار برگزاری نشست سه‌جانبه شورای عالی کار برای ترمیم مزد شده‌اند. به گزارش ایلنا، با این حال، وزارت کار جلسه‌ای با موضوع ترمیم مزد برگزار نمی‌کند. «علی‌خدايي» عضو کارگری شورای عالی کار در این ارتباط می‌گوید: اتفاقاتی که در جریان مزد ۱۴۰۲ افتاده برای خود من هم بعد از گذشت چند ماه باور کردنی نیست. اینکه یک وزیر دولت (وزیر کار) بیايد برای تعیین مزد کارگران ملاک جدید و فرآیند قانونی خلق کند، باور کردنی نیست. خدايي ادامه داد: اول سبب معیشت را از ۱۵ میلیون تومان به ۱۳ میلیون تومان کاهش داد و بعد در مورد همین سبب ۱۳ میلیون تومانی بگوید سال گذشته ضریب پوشش سبب ۷۳ درصد بوده ولی امسال میانگین ضریب پوشش پنج سال گذشته یعنی ۶۲ درصد را در نظر می‌گیرد. بنابراین امسال دستمزد باید فقط ۶۲ درصد سبب را پوشش بدهد. او افزود: اینها عدسازي است که در جلسه مزدی رخ داده و هیچ منطق قانونی ندارد. چرا میانگین پنج سال ملاک قرار گرفته است؟ منطق کارشان این بوده که اعداد و میانگین‌های مختلف را بررسی کرده‌اند و در نهایت دیده‌اند میانگین ۵ سال، آن عدد مدنظرشان را می‌دهد! اینها همه عدسازي است که در جلسات مزدی صورت گرفته است. به گفته‌ی وی، عاملان نرخ سبب معیشت را بسیار پایین آوردند تا جایی که ۱۳ میلیون و ۹۰ هزار تومان مصوب، تناسبی با واقعیت‌های زندگی کارگران در همان زمان نداشت و بعد با اتکا به این عدد غیر واقعی و با فرمولی که باز هم مبنای قانونی ندارد به افزایش ۲۷ درصدی حداقل دستمزد رسیده‌اند!

پایان تلخ شش کارگر معدن طزره

مرگی که ناجوانمردانه پابه اعماق زمین گذاشت

تسرين هزاره مقدم



باز هم یک معدن زغال سنگ «قتلگاه کارگران» شد. عصر دوازدهم شهریور، شش کارگر در تونل رزم‌جاه معدن زغال سنگ البرز شرقی (طزره) به دلیل اجتماع ناگهانی گاز، زیر آوار مدفون شدند. این کارگران ساعت‌ها میان مرگ و زندگی دست و پا زدند اما عاقبت جان سالم به در نبردند. در ساعات آغازین بامداد روز دوشنبه و بعد از حدود ۹ ساعت ماندن زیر آوار، اجساد شش کارگر بیرون کشیده شد.

گفته می‌شود عمق تونلی که انفجار در آن رخ داده ۷۰۰ متر است و حادثه در عمق ۴۰۰ متری آن رخ داده است. به روایت همیشه «علت حادثه» همچنان در دست بررسی است و روزها طول می‌کشد تا یک گزارش تخصصی با ادبیات کارشناسانه بیرون بیاید اما هیچ زمان مصران واقعی این دست حوادث شناسایی و مجازات نمی‌شوند.

اخبار ضد و نقیض

در ساعات اولیه حادثه

عصر دوازدهم شهریور ماه، شش کارگر با سابقه و قراردادی شرکت البرز شرقی، خیلی ناگهانی در تونل محل کارشان جان خود را از دست دادند. اخبار ساعات اولیه متناقض بود. کانال‌های خبری و رسانه‌ها از عملیات امداد و نجات و تداوم این عملیات خبر می‌دادند، عملیاتی که هیچ زمان نتوانسته جان کارگران مدفون زیر آوار معدن را واقعاً نجات دهد. ۴۳ کارگر معدن زمستان بورت را یادمان نرفته که مرگ به ناگهان گریبان‌شان را گرفت. بعد از آن، معدن کشور باز هم حوادث مرگبار بسیار داشتند.

همچنین مرگ شش کارگر، اولین حادثه مرگبار در معدن زغال سنگ البرز شرقی نیست. ۱۲ ظهر روز شنبه یازدهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۰، در تونل شماره ۴۲ معدن بزرگ طزره، دو کارگر جوان ۳۵ و ۳۰ ساله حبس شدند و بعد از گذشت شش روز، بالاخره امدادگران

توانستند جسد آنها را بیرون بکشند. آن زمان دو کارگر پیمانکاری به نام‌های میلاد روشنایی و سییداصغر افضلی از دامغان، جان خود را از دست دادند. کمی در زمان جلوتر می‌آییم. پانزدهم اسفند ۱۴۰۱، منابع کارگری در استان سمنان از زخمی شدن ۴ کارگر بر اثر انفجار در معدن زغال سنگ طزره خبر دادند. همان موقع کارگران گفتند که این حادثه معدنی به صورت خصوصی فعالیت دارد و مسائل ایمنی در آن به درستی رعایت نمی‌شود. در این چندسالی که از فعالیت این واحد معدنی می‌گذرد، نظارت بر فعالیت معدن بسیار کم بوده است. حالا شش ماه بعد، حادثه در دناک دیگری منجر به مرگ شش کارگر شده است. پس از حادثه، به سراغ همکاران آنها رفتیم. یکی از کارگران معدن طزره می‌گوید: کارگران متوفی، قراردادی بودند و با خود معدن قرار داد داشتند. این

حادثه خیلی ناگهانی رخ داده و مشخص نیست چروقتی تونل دو تا تهویه داشته، گاز آن چنان جمع شده که به مرگ شش کارگر انجامیده؟ به گفته این کارگر، تجمع گاز در معدن زغال سنگ البرز شرقی، قبل از این باز هم اتفاق افتاده. او می‌گوید: چند سال قبل، همین اجتماع گاز منجر به مرگ یک کارگر شد، مشابه این حادثه بارها رخ داده است. همکاران این شش کارگر می‌گویند متوفیان همه متاهل و پدر چند فرزند بوده‌اند. هگی از کارگران پرسابقه معدن بوده‌اند که بلااستثنا قرار بوده یکی دو سال دیگر بازنشست شوند. ۵ کارگر متوفی ساکن دامغان و یکی ساکن شاهرود بوده است.

بعد از حادثه، معدن طزره تعطیل شده است. کارگران می‌گویند امروز که سر کار رفتیم گفتند تعطیل است. می‌توانستند جسد آنها را بیرون بکشند. آن زمان دو کارگر پیمانکاری به نام‌های میلاد روشنایی و سییداصغر افضلی از دامغان، جان خود را از دست دادند. کمی در زمان جلوتر می‌آییم. پانزدهم اسفند ۱۴۰۱، منابع کارگری در استان سمنان از زخمی شدن ۴ کارگر بر اثر انفجار در معدن زغال سنگ طزره خبر دادند. همان موقع کارگران گفتند که این حادثه معدنی به صورت خصوصی فعالیت دارد و مسائل ایمنی در آن به درستی رعایت نمی‌شود. در این چندسالی که از فعالیت این واحد معدنی می‌گذرد، نظارت بر فعالیت معدن بسیار کم بوده است. حالا شش ماه بعد، حادثه در دناک دیگری منجر به مرگ شش کارگر شده است. پس از حادثه، به سراغ همکاران آنها رفتیم. یکی از کارگران معدن طزره می‌گوید: کارگران متوفی، قراردادی بودند و با خود معدن قرار داد داشتند. این

گویا وزیر کار آمده، نوشدارو بعد از مرگ سهراب! احتمالاً تا آخر هفته هم کار ما تعطیل است. به سراغ «قنبری» سرپرست شرکت معدن البرز شرقی طزره رفتیم. او در پاسخ به این سوال که چرا این اتفاق افتاد و مگر معدن تهویه و ایمنی کافی نداشت، گفت: همان صبح روز حادثه، جلسه داشتیم. در آن زمان، هیچ نقطه بحرانی در هیچ جای معدن وجود نداشت. در ارتباط با حادثه، تحلیل‌های اولیه ما وجود یک حفره گازی را نشان می‌دهد اما علت واقعی حادثه در دست بررسی است و کارشناسان آن را به زودی اعلام می‌کنند.

سرپرست معدن طزره افزود: حفره‌های گازی قابل شناسایی و تحلیل نیستند. کار ما تا ۱۰ دقیقه قبل از حادثه، کنار دست این عزیزان بوده و میزان سنجش گاز را صفر اعلام کرده. ۱۰ دقیقه بعد، در دقیق پانتهی شفت کار، هنگام خروج کارگران این حادثه رخ داده. بنابراین احتمالاً تصاعد گاز و ایجاد حفره گازی عامل حادثه بوده است. قنبری می‌گوید حفره‌های گازی قابل شناسایی و پیش‌بینی نیستند. از او می‌پرسیم چطور در معدن زاین و نروژ وضعیت‌های پیشرفته و ایمن، چنین حفره‌های مرگبار ایجاد نمی‌شود و چطور حفره‌های ایجاد شده که شش کارگر را به سادگی به دام مرگ انداخته؟ سرپرست معدن در پاسخ می‌گوید: تصاعد آنی گاز رخ داده. این یک بحث کاملاً تخصصی است. کارشناسان باید موضوع را با دقت بررسی کنند و اصل موضوع را بشکافند.

سوالاتی که بی‌پاسخ می‌ماند
همان ساعات اولیه صبح سیزدهم شهریور به سراغ «حسینی» سرپرست واحد ایمنی معدن طزره رفتیم. این مقام مسئول حاضر نشد اطلاعاتی در اختیار ما قرار دهد. گفت که اطمینان ندارم از کجا تماس می‌گیرید! تماس‌های

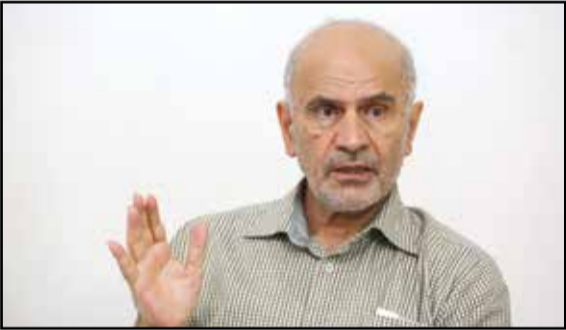
مرگ شش کارگر، اولین حادثه مرگبار معدن زغال سنگ البرز شرقی نیست. هفدهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ هم در تونل شماره ۴۲ معدن بزرگ طزره، پیکر دو کارگر جوان ۳۵ و ۳۰ ساله بعد از گذشت شش روز، بیرون کشیده شد

بعدی با این فرد مسئول هم همگی بی‌پاسخ ماند! «بهرروز افروز»، «قرابعلی کمال»، «حسین غزائیان»، «حمید ایزدی»، «ابوالفضل غنایی» و «محمد نعیمی صفت» کارگرانی هستند که حوالی ظهر روز یکشنبه برای آغاز یک شیفت کاری پا به تونل رزم‌جاه معدن طزره گذاشتند. در آن ساعات کار، شاید یکی دو نفر در فکر عروسی فرزندان‌شان بوده‌اند و باقی در فکر بازنشستگی در سال‌های پیش رو. حتماً چند نفر از آنها پیش از کار سینه را صاف کرده‌اند و همه چیز با چند سرفه خشک آغاز شده است. سرفه‌های خشکی که همیشه از سینه‌های در دناک معدنکاران بیرون می‌آید. چند ساعت بعد، مرگ از راه رسیده؛ مرگی دلخراش با گاز که یک پایان تلخ رقم زده و همه چیز را زیر آوار مدفون کرده. طعم این پایان بسیار تلخ است. این شش کارگر دیگر هرگز روی زمین پانمی‌گذارند. همه چیز همان اعماق زمین شده اما سوالات ما همچنان بی‌پاسخ و ناتمام است. چرا معدن ما این قدر قربانی می‌گیرند و به ایمنی معدن به‌طور جدی ورود نمی‌کنند؟ وظیفه وزارت صنعت، معدن و تجارت چیست؟ واردات خودروهای لاکچری برای آقا‌زاده‌ها یا ایمن‌سازی معدن کشور که محل نان در آوردن زحمتکش‌ترین قشر طبقه کارگر هستند؟!

گزارش

جمعیت فقرا طی سه سال دو برابر شده است

مومنی: ۸۹ درصد فقیران، شاغلان و بازنشستگان هستند



عضو هیات علمی دانشگاه علامه اظهار کرد: میان آنچه که به نام دین، مایه کاسبی سیاسی و اقتصادی عده‌ای شده، به آنچه که از میداوحی صادر شده و با استانداردها و ضوابطی که در اختیار ماست، فاصله‌های بزرگی وجود دارد. فرشاد مومنی در نشست بزرگداشت علامه حکیمی با بیان اینکه در ساخت‌اندیشه و عمل، به واسطه پدیدۀ ذاتی نقض اطلاعات انسان‌ها، دائم‌المرغ معرض سرگردگی، سیرگیچه و فریب یاد معرض نمونه‌های تقلبی و دروغین چیزهای خوب قرار داریم، اظهار کرد: کسی نمی‌تواند در چنین شرایطی مان‌انجات دهد. به گفته این استاد دانشگاه، در ساخت عمل هم مادت‌اماد طول تاریخ بشر و در شرایط فعلی هم در بی‌سابقه‌ترین سطح، در اسارت آدرس‌های غلط هستیم. این آدرس‌های تقلبی برای آنها که فریب می‌خورند، آبی گرم نمی‌کند اما برای کسانی که این فریب‌کاری‌ها و آدرس‌های غلط را می‌دهند، نان فراهم می‌کند.

یکی دستور می‌دهد ۱۴ روزه فقر مطلق کاهش یابد و دیگری می‌گوید، شد
مومنی با بیان اینکه باید بررسی کرد که چرا اکنون به نام عدالت‌این میزان آدرس‌های غلط و ادعاهای پوچ ارائه می‌شود، افزود: به نام عدالت، برای ارائه داده‌های دست‌کاری شده در سطح برخی مقامات کشور، مسابقه برگزار شده است. در حرف‌های بی‌پایه‌زدن در این زمینه مسابقه است. فردی می‌گوید دستور می‌دهم ۱۴ روزه فقر مطلق کاهش یابد و دیگری می‌گوید، شد! و ادعا را ز نور فلز او هم فراتر می‌برد. متأسفانه در این زمینه بخش‌هایی از ساختار قدرت، گوی سبقت را در بیان سخنان بی‌پایه‌ز یکدیگر می‌ریزند. وی تأکید کرد: با کمال تأسف، ادعاهایی که بعنوان رفغ فقر و ایجاد اشتغال و از این قبیل مسائل مطرح می‌شود، جزو بزرگترین خطاهای خبیث‌هایی است که به دین خدا، مملکت، مردم و به ویژه محرومان و مستضعفان صورت می‌گیرد. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که برای اولین بار در تاریخ اقتصادی ۱۰۰ ساله گذشته ایران، دوره زمانی ۲ برابر شدن اندازه جمعیت فقیر در ایران، به کمتر از ۳ سال رسیده است!

گزارش

افزایش بیسودی در استان‌های کم‌درآمد کشور

جیب خالی دنبال سواد نیست

طبق بررسی‌های انجام شده، هر چه به سمت استان‌های کم‌درآمد می‌رویم، نرخ بیسودی افزایش پیدا می‌کند. به بیان دیگر، میان سطح در آمد استان‌ها و بیسودی یک همبستگی منفی وجود دارد. به گزارش اکوایران، بر اساس آخرین آمارهای منتشر شده، نرخ بیسودی در سال ۱۴۰۰ معادل ۱۲ درصد برآورد شد یعنی از هر ۱۰۰ ایرانی ۱۲ نفر بیسواد هستند. بررسی‌های نشان می‌دهد یک همبستگی منفی میان سطح درآمد استان‌ها و نرخ بیسوادیشان برقرار است و هر چه به سمت استان‌هایی می‌رویم که درآمد در آنها بالاتر است، شاهد بیسودی کمتری نیز هستیم. طبق این گزارش، در میان ۱۰ استانی که بالاترین سطح درآمد دارند، بالاستان‌هایی که کمترین نرخ بیسودی را به ثبت رسانده‌اند، ۷ استان مشترک وجود دارد. در نتیجه می‌توان گفت که استان‌هایی که از نظر درآمدی وضعیت مطلوبی دارند، از منظر سطح آموزش و سواد هم اوضاع خوبی را تجربه

وی با بیان اینکه باروند بسیار نگران کننده کاهش فاصله غیر فقر از خط فقر نیز روبرو هستیم، توضیح داد: بی‌سابقه‌ترین ایجاد تجربه شده از سقوط طبقه متوسط درآمدی در این سال‌ها رخ داده اما با این حال نه فقهی از توسعه بر روی داده می‌شود و نه دغدغه‌ای نشان می‌دهند. باید توسعه را، بی‌فهمند تا منزهات طبقه متوسط درآمدی را درک کنند. در شرایطی که مادر در حال تجربه این واقعیت‌ها هستیم، بیان این سخنان تلخ و غم‌انگیز، شگفت‌انگیزتر می‌شود!

ادعاهای اشتغال‌زایی، پوچ است

مومنی با تأکید بر اینکه در بار ادعاهای پوچ و گزافی که هم‌زمان راجع به اشتغال مطرح می‌شود، باید دانست در جامعه توسعه نیافتگی است، آنچه که نجات‌دهنده مردم از فقر و فلاکت است، اشتغال با کیفیت است، گفت: به آنها که با این حرف‌های پوچ و توخالی، از مسائل سرنوشته‌سازی حساسیت‌زدایی می‌کنند، می‌گویم به گزارش‌های رسمی انتشار یافته توسط مرکز آمار ایران نگاه کنید! آنجا که در مناسبات فاسد رانتهی، پشت به کیفیت و توسعه داشته‌ایم، شغل‌های ماقادر به برطرف کردن فقر نیست. گزارش‌های رسمی مرکز آمار عنوان می‌کند که ۸۹ درصد فقرای ایران را شاغلین سابق و لاحق بازنشستگان سابق و شاغلین فعلی، تشکیل می‌دهند.

این استاد اقتصاد دانشگاه علامه هشدار داد: از طریق این آرایشی که نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع در این کشور ایجاد کرده، شغل‌های مملکت، به جز اندکی از آنها، قادر به برطرف کردن فقر نیستند. این مساله، ماجراهای زیادی برای ما ایجاد می‌کند.

از حکومت یک دست، آزادی و عدالت و توسعه بیرون نمی‌آید

وی گفت: فراموش نشود کسانی برای اینکه به حساب خود عدالت برقرار کنند، بزرگترین ظلم را در توزیع قدرت مرتکب شدند. از حکومت یک دست، آزادی و عدالت و توسعه بیرون نمی‌آید.

مومنی در پایان افزود: یکی گفت می‌خواهم پول نفت را به سفره مردم بیلورم اما روزی که مسئولیت دولت را تحویل داد، شاخص فلاکت را به دو برابر روزی رسانده بود که آن را تحویل گرفته بود. اکنون آن مساله به شکل تلخ‌تر و غم‌انگیزتری در حال بی‌گرفتن است. امیدوارم به مدد روح پاک و اندیشه‌های والای متفکران معیاری مانند علامه حکیمی بتوانیم از این بلیه‌هم نجات پیدا کنیم.

می‌کنند. محاسبات نشان می‌دهد برادر مدترین استان کشور در سال ۱۴۰۰ حدوداً ۱۲۵ درصد درآمد بالاتری را نسبت به کم‌درآمدترین استان داشته است. همان‌گونه که اختلاف درآمدی بالایی بین استان‌های کشور وجود دارد، شاهد این شکاف در وضعیت سواد استان‌ها نیز هستیم طوری که نرخ بیسودی در استان کردستان حدوداً ۳ برابر نرخ بیسودی در استان تهران است.

شکاف ۹۰ میلیونی در آمد بین استان‌ها

محاسبات نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ بین برادر مدترین استان کشور با کم‌درآمدترین استان، بالغ بر ۸۸ میلیون تومان اختلاف وجود داشته است. یک خانواده شهری در استان تهران به عنوان بر خوردارترین استان کشور به طور متوسط سالانه نزدیک به ۱۶۰ میلیون تومان درآمد داشته، در حالی که همین عدد برای استان کرمان در حدود ۷۰ میلیون تومان بوده است. به بیان دیگر در آمد متوسط برادر مدترین استان کشور در سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۲۵ درصد بیشتر از درآمد فقیرترین استان کشور بوده است. به مانند شکاف درآمدی که بین استان‌ها وجود دارد، از نظر وضعیت بیسودی نیز تفاوت فاحشی بین استان‌های ایران دیده می‌شود. استان تهران در میان سایر استان‌ها

بهترین وضعیت سواد را در سال ۱۴۰۰ تجربه کرد. نرخ بیسودی در این استان ۶٫۶ درصد بود یعنی از هر ۱۰۰ نفری که ساکن استان تهران است، حدوداً بین ۷ تا ۸ نفرشان بیسواد است. این در حالی است که نرخ بیسودی در استان کردستان بالغ بر ۱۸ درصد است یعنی نرخ بیسودی استان کردستان نزدیک به ۳ برابر بیسودی در استان تهران است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از میان ۳۱ استان ایران تنها ۴ استان نرخ بیسودی تک‌رقمی دارند. همچنین در ۱۰ استان نیز نرخ بیسودی بیش از ۱۵ درصد است. از طرف دیگر، از میان ۱۰ استانی که در انتهای جدول درآمدی قرار دارند، ۱۰ استانی که بیسودی در آنها بالاست، ۶ استان مشترک وجود دارد. در اینجا می‌توان گفت به طور کلی استان‌هایی که از نظر درآمدی وضعیت خوبی ندارند، بیسودی هم در آنها بالاست. البته در این میان استان‌هایی وجود دارد که وضعیت درآمدی‌شان با وضعیت آموزش و سوادشان همخوان نیست. برای استان سمنان از سومین استان کشور از نظر نرخ بسواد است، در حالی که همین استان در قعر جدول درآمدی قرار دارد. همچنین بررسی‌های نشان می‌دهد روند تغییرات درآمد تغییرات نرخ بیسودی در تمام استان‌های کشور با هم ارتباط و همبستگی دارد به گونه‌ای که هر چه به سمت استان‌هایی می‌رویم که نرخ بیسودی در آنها پایین است، شاهد آن هستیم که به‌طور کلی درآمد هم افزایش یافته است.